

تحلیل شیوه‌های معارضه با راویان روایات فضائل

اهل بیت علیهم‌السلام*

عبدالله غلامی** و اعظم فرجامی*** و زهرا دشتی نژاد***

چکیده

در دوران پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اجرای سیاست‌های مخالفت‌آمیز مکتب خلفا، نصوص رسیده از آن حضرت، به‌ویژه در عرصه بیان فضائل اهل بیت علیهم‌السلام و تفسیر آیات فضائل، دستخوش انواع کتمان و تحریف، وارونه‌سازی و جعل فضائل ساختگی برای افرادی دیگر از صحابه شد. از مهم‌ترین تحریف‌هایی که در آن زمان صورت گرفت، مقابله با فضائل اهل بیت علیهم‌السلام برای اثبات عقاید و ابطال باورهای پیروان ایشان از طرف معارضان با فشار بر روی راویان روایات فضائل بوده که به روش‌های مختلف از سوی معارضان صورت گرفته است. این رویه در عصر حاضر نیز به همان سبک و با روش‌های جدید نیز ادامه دارد. نتیجه حاصل از ایجاد این رویه معارضه، ایجاد و افزایش دشمنی در بین پیروان مذاهب و از بین رفتن انس و قرابت در میان آنها بوده است. به همین جهت شناخت و بررسی این امر می‌تواند حوادثی را که در ارتباط با مناقب پیش آمده و همچنین ضررهایی که از رهگذر تحول در اخبار مناقب بر امت تحمیل شده، به خوبی نمایان سازد.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت علیهم‌السلام، روایات فضائل، راویان فضائل، معارضه با فضائل.

۱۲۱



سال چهاردهم / شماره ۲۷ / پاییز و زمستان ۱۴۰۲

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴.

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، (نویسنده مسئول): (gholami@razi.ac.ir).

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، (azamfarjami@yahoo.com).

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، (zahradashti1295@gmail.com).

معرفی الگو در جهت هدایت بشر همواره از سوی خدای تعالی در طول تاریخ صورت گرفته است. از آنجایی که اسلام دینی جامع بوده و به تمام ابعاد زندگی توجّه کامل نموده است، الگوهایی که معرفی می‌کند باید از جامعیت برخوردار باشند و در تمام جنبه‌ها دارای امتیاز و کمال باشند تا بتواند انسان‌های طالب کمال را جذب و هدایت کند. بر این اساس پیامبر ﷺ با توجّه به شناختی که از امت داشته است جانشینان خود - ائمه اطهار ﷺ - را معرفی و ویژگی‌های آنان را بیان کرده است تا حق جویان با در داشتن این ملاک‌ها حق را شناخته و به سعادت و رستگاری دنیا و آخرت دست یابند. به همین جهت شیعه امامیه به خود می‌بالد که پیرو کسانی است که رسول گرامی اسلام ﷺ تنها راه رهایی از لغزش و گمراهی را پیروی از آنان دانسته و آنان را کشتی نجات امت نامیده است. اما از آن-جایی که زمامداران توان گسترده سیاسی خود را برای محو فضائل اهل بیت ﷺ در برابر بالا بردن شأن دیگران به کار گرفتند، مناقب خاندان نبی ﷺ مورد وسیع‌ترین حملات واقع شد. معارضین در جهت رسیدن به این اهداف از هر روشی استفاده کردند تا به هدف خود که همان کم رنگ جلوه دادن روایات فضائل است برسند و در مقابل موقعیت و جایگاه دشمنان آنها که همان طرفداران زور و زر و تزویر بودند در میان مردم به هر وسیله‌ای ترفیع دهند.

هم اکنون نیز که در دوران سخت غیبت واقع شده‌ایم و حمله بی‌امان دشمنان اهل بیت ﷺ مدام مذهب حق شیعه را تهدید می‌کند، دفاع از حریم اهل بیت ﷺ یکی از مسئولیت‌های اساسی اندیشمندان دینی است. مخالفین اهل بیت ﷺ در طول تاریخ بسیار کوشیده‌اند که به هر شکل ممکن، از نقل، تبیین و گسترش فضایل اهل بیت ﷺ جلوگیری کنند. در سال‌های اخیر، حمله‌ها و شبهه‌ها علیه مذهب اهل بیت ﷺ تفاوت‌های مهمی کرده است. با توجه به اهمیت این مسئله لازم است کلیه روش‌هایی که از سوی معارضین اهل بیت ﷺ در جهت مقابله با نقل فضائل آنها به کار گرفته می‌شود مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد.

درواقع می‌توان اقرار نمود که با مطالعه چگونگی به کارگیری شیوه‌های معارضه با راویان روایات فضائل اهل بیت ﷺ و سعی وافر دشمنان ایشان در کتمان حقانیت ائمه اطهار ﷺ، مظلومیت

ایشان بیشتر نمایان می‌گردد. به راستی ائمه (علیهم‌السلام) از پیش خود چه داشته‌اند که این چنین و با هر روشی به مقابله با حقیقت نورانی آنان پرداخته شد؟ سیاست جلوگیری از نقل روایات فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) در راستای رسیدن به کدام اهداف بود؟ وظایف اندیشمندان و محققان جهان اسلام در مقابله با این توطئه‌ها چیست؟

الف. مفهوم‌شناسی واژه‌های معارضه و فضیلت و روایت

کلمه «معارضه» مصدر باب مفاعله، از ریشه مجرّد «عرض»، «بعرض»، «عرضاً» و «عروضاً» در اصل به معنای ظاهر شدن و یا ظاهر کردن به کار رفته است.^۱ اما بیشترین استعمال معارضه در باب افعال یعنی اعراض و مشتقات آن است که به معنای روی گردانی و مخالفت می‌باشد.^۲ معارضه در این مقاله به معنای مخالفت و مقابله با روایان روایات فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) است که از سوی معاندان به روش‌های مختلف به کار گرفته شده است.

واژه فضیلت از ریشه «فضل» به معنای برتری و افزونی است. کاربردهای آن در زبان عربی نشان می‌دهد در جایی که بخواهند از کلمات و ویژگی‌های برجسته انسانی یاد کنند، این کلمه را به کار می‌برند. فراهیدی این واژه را به معنای «درجه و برتری در فضل» دانسته است.^۳ ابن‌منظور آن را «نقطه مقابل تقیصه و درجه بلند در برتری» معنا کرده است.^۴ این واژه در فرهنگ نامه دهخدا به معنای رجحان، برتری، مزیت، صفت نیکو، مقابل رذیلت آمده و جمع آن فضائل است و فضیلت‌های اصلی عبارتند از: شجاعت، عفت، حکمت.^۵

در اصطلاح علم اخلاق فضیلت عبارت است از استعداد دائم برای رفتار خیر، یا استعداد مطابقت افعال ارادی با قانون اخلاقی یا مجموعه قواعدی که ارزش آنها مورد قبول است. شرط فضیلت این است که در زندگی اجتماعی تحقق داشته باشد، زیرا ترک آمیزش مردم و دور از مردم زندگی کردن فضیلت ایجاد نمی‌کند. برای مثال تواضع و صداقت و کرم و اخلاق و از خودگذشتگی و

۱. معجم الوسیط، ج ۲، ص ۵۹۳.

۲. مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، ص ۹۶.

۳. العین، ج ۷، ص ۴۴.

۴. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۲۴.

۵. لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۲۷۶.

فضائل دیگر، بی معنی است، مگر اینکه انسان در میان مردم باشد و خود را شریک احوال و امور آنان بداند.^۱

روایت، در لغت به معنای حمل است؛ چنان که گویند: «رَوَى الْبُعَيْرُ الْمَاءَ»؛ شتر آب را حمل کرد و به شخص سیراب به خاطر آشامیدن آب «ریان» می گویند.^۲ روایت، در اصطلاح مترادف حدیث است و همان معنای حدیث درباره روایت نیز جاری است، هرچند که اصطلاح روایت کاربرد کمتری نسبت به حدیث دارد.^۳

ب. زمینه‌های انکار فضایل اهل بیت علیهم‌السلام

ائمه معصومین علیهم‌السلام همچون پیامبران، دارای تمام فضائل و ارزش‌های والا و نیکوترین اخلاق را دارا هستند، که به عنوان مفسران و مترجمان وحی الهی همچون ستارگانی که با نورافشانی‌شان راه را به انسان‌ها نشان می‌دهند می‌توانند به عنوان الگوی کامل برای سایر افراد بشر هدایت‌گر آنها به سوی مسیر نور و روشنایی باشند.

همه این ویژگی‌های خاصی که اهل بیت علیهم‌السلام داشتند، موجب می‌گردید که آنها همواره مورد توجه مردم باشند، این خود عاملی مهم در جهت ناراحتی و حسادت خلفا بود. در واقع ائمه اطهار علیهم‌السلام اگر از سوی خداوند تأیید نمی‌شدند و خداوند مخالفین آنها را در راستای رسیدن به اهداف خود ناکام نمی‌گذاشت، دشمنان تمامی آثار و روایات آنها را از بین برده و هیچ اثری از آنها در تاریخ بر جای نمی‌ماند. اما با مطالعه همه مخالفت‌ها و معارضاتی که با آنها در طول تاریخ صورت گرفته این نتیجه حاصل می‌گردد که متجلی شدن نورانیت حقیقت اهل بیت علیهم‌السلام از میان آن همه تاریکی و انتشار درصد بالایی از مناقب ایشان در گذر تاریخ نشانه و جلوه‌ای از حاکمیت اراده الهی در روشن ماندن مشعل هدایت است.

ج. شیوه‌های معارضه با راویان روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام

در ادامه به معرفی و تحلیل برخی از مهم‌ترین راه‌های به کارگیری معارضه در انکار فضائل اهل

۱. فرهنگ فلسفی، ص ۴۹۸.

۲. مصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. آشنایی با علوم حدیث، ص ۲۵.

بیت علیهم‌السلام می‌پردازیم. یکی از روش‌هایی که دشمنان در جهت مقابله با روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام به کار گرفته‌اند سیاست مقابله با راویان و به کارگیری روش‌هایی برای جلوگیری از آنها در جهت نقل و انتشار فضائل اهل بیت علیهم‌السلام بوده است، تا به این وسیله از بیان فضائل اهل بیت علیهم‌السلام جلوگیری به عمل آید. معارضین در این شیوه از هر وسیله‌ای استفاده کردند تا راویان، فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را نقل نکنند. در ادامه به نمونه‌هایی از این روش‌ها اشاره خواهد شد.

۱. تضعیفِ راوی به جهت نقل فضائل اهل بیت علیهم‌السلام

با بررسی و مطالعه در کتب رجال اهل سنت این نتیجه حاصل می‌گردد که یکی از ملاک‌های تضعیفِ راوی نقل روایاتی است که به بیان فضیلتی از ائمه اطهار علیهم‌السلام منتهی می‌گردد. بنابراین معارضین فضائل و مناقب ائمه اطهار علیهم‌السلام به تضعیفِ راویان مناقب با روش‌های مختلف در آثار خویش روی آوردند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکردند؛ برای نمونه در خصوص محمد بن سائب از راویان فضائل اهل بیت علیهم‌السلام روایت است:

قال العطاردي: أجمع رجال اهل السنة و الجماعة على تضعيفه و جرحه و ترك اخباره و آثاره، لانه كان شديد التشيع و يروي فضائل اهل البيت عليهم‌السلام.^۱

همه رجال اهل سنت و جماعت بر تضعیف و جرح و ترک روایات و آثار او اجماع کرده‌اند، زیرا وی گرایش شدیدی به تشیع دارد و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را نقل می‌کند. در خصوص زیاد بن منذر نقل است:

وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَقِبَةَ السَّدُوسِيُّ: قَالَ يَزِيدُ بْنُ زُرَيْعٍ لِأَبِي عَوَانَةَ: لَا تَحْدِثْ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ. وَقَالَ أَبُو حَاتِمٍ بْنُ حَبَانَ كَانَ رَافِضِيًّا، يَضَعُ الْحَدِيثَ فِي مِثَالِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ يَرُوي فِي فَضَائِلِ أَهْلِ الْبَيْتِ أَشْيَاءَ مَا لَهَا أَصُولٌ.^۲

۱. مسند الإمام الشهيد أبي عبد الله الحسين عليه‌السلام، ج ۳، ص ۴۰۲.

۲. همان.

محمد بن عقبه السدوسی نقل کرده که یزید بن زریع به اُبی عوانه گفته است از اُبی الجارود روایت نقل نکن و اُبو حاتم بن حبان گفته که او رافضی است که در مناقب اصحاب پیامبر ﷺ حدیث جعل می‌کند و مواردی در فضائل اهل بیت نقل می‌کند که هیچ اصولی ندارد. همچنین در خصوص علت ضعف زیاد بن منذر آمده است:

لأنَّه يروى أَحَادِيثُ فِي فَضَائِلِ أَهْلِ الْبَيْتِ.^۱

او روایاتی را در فضائل اهل بیت ﷺ نقل می‌کند.

در حالی که بعضی از محدثان اهل سنت به این امر اعتراض کرده‌اند. ابن حجر معتقد است روایت راوی نباید به دلیل مذهب خاص او جرح و تضعیف گردد، بلکه آنچه در خصوص ثقه یا ضعیف بودن روایت راوی اهمیت دارد دین‌داری و راستگویی وی است. در کتاب فتح الملک العلی با اشاره به سخن ابن حجر در خصوص جرح و تعدیل راویان آمده است:

التشيع في عرف المتقدمين هو اعتقاد تفضيل عليا علي عثمان وأن عليا كان مصيبا في حروبه، وأن مخالفه مخطئ مع تقديم الشيخين و تفضيلهما و ربما اعتقد بعضهم أن عليا أفضل الخلق بعد رسول الله صلى الله عليه وآله، وإذا كان معتقد ذلك ورعا دينا صادقا مجتهدا فلا ترد روايته بهذا لا سيما ان كان غير داعية.^۲

تشیع در عرف پیشینیان عبارت است از: اعتقاد به افضلیت علی عليه السلام بر عثمان و اینکه علی در جنگ‌هایش برحق بوده و مخالف او با برتری دانستن شیخین برخاست و برخی از آنها عقیده دارند که علی پس از پیامبر ﷺ افضل مخلوقات است. اگر چنین شخصی دین‌دار و راست‌گو باشد، روایتش رد نمی‌شود، به ویژه اگر از دعوت کنندگان به مذهبش نباشد.

بنابراین با بررسی برخی از آثار روایی این نتیجه به دست می‌آید که برخی از اهل سنت و جماعت اگر بدانند يك محدث از شیعه اهل بیت عليه السلام است بدون هیچ دلیلی او را تضعیف می‌کنند و این برخورد تنها نشان دهنده این حقیقت است که رد یا پذیرش روایات این راویان فقط منشأ عقیدتی

۱. مختصر الکامل فی الضعفاء، ص ۳۴۴؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۹، ص ۵۱۸.

۲. فتح الملک العلی، ص ۱۰۰.

داشته است و نه دلایل علمی و منطقی.

۲. اتهام تشیع به راویان روایات فضائل

یکی از ادعاهای مخالفان فضائل اهل بیت علیهم السلام در جهت رد روایاتی که در شأن ایشان نازل شده

است ادعای شیعه بودن تمام راویان روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام است. به عنوان نمونه در رابطه با

روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام فردی همچون رشید رضا می گوید:

۱۲۷



وَمَصَادِرُ هَذِهِ الرَّوَايَاتِ الشَّيْعَةُ وَمَقْصِدُهُمْ مِنْهَا مَعْرُوفٌ، وَقَدْ اجْتَهَدُوا فِي

تَرْوِيحِهَا مَا اسْتَطَاعُوا حَتَّى رَاجَتْ عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ.^۱

همه این روایات از طرق شیعه است و هدف آنها مشخص است و آنها چنان در نشر و ترویج این احادیث کوشیده‌اند که موضوع را بر بسیاری از دانشمندان اهل تسنن مشتبه ساخته‌اند. ولی مراجعه به منابع اصلی اهل تسنن نشان می‌دهد که بسیاری از طرق این احادیث به کتب شیعه منتهی نمی‌شود و اگر ورود این احادیث را از طرق اهل تسنن انکار کنیم، سایر احادیث و کتاب‌های آنان نیز از درجه اعتبار خواهد افتاد.^۲ با به کار بردن نسبت‌هایی همچون شیعه خواندن راوی در عصر خلفا نیز تنها راوی را در معرض انواع بلاها و مصایب قرار می‌دادند تا مانعی برای نقل فضائل اهل بیت علیهم السلام برای راویان باشند.^۳

جایگاه و فضائل اهل بیت علیهم السلام در قرآن و مقام ملکوتی آنان در نزد خداوند متعال، موجب رمی بعضی از راویان به غلو و جعل حدیث و انحراف در عقیده و مذهب می‌شد. حتی نقل فضائل ائمه اطهار علیهم السلام موجب بود که معارضین، بزرگترین محدثین و راویان احادیث را منزوی کنند و نقل حدیث از او را ممنوع سازند.^۴ به گونه‌ای که اغلب روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام را به وسیله ضعیف نمودن اسناد رجال آنان تضعیف می‌نمودند.^۵

۱. تفسیر المنار، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲. با قرآن در مکه و مدینه، ص ۴۶۸.

۳. امام‌شناسی و پاسخ به شبهات، (امامت در حدیث)، ص ۳۷۳.

۴. همان، ص ۴۹.

۵. فضائل اهل البیت علیهم السلام بین تحریف المدونین و تناقض مناهج المحدثین، ص ۳۰۵.

نگاهی به میزان الاعتدال ذهبی نیز می‌تواند چهره صدها نفر از کسانی را نشان دهد که به دلیل نقل فضائل اهل بیت علیهم‌السلام متهم به تشیع شده‌اند.^۱ ذهبی کسی است که چون چشمش به روایات فضائل حضرت علی علیه‌السلام می‌افتد غضب سر تا سر وجودش را فرا می‌گیرد و چه بسا در بسیاری از مواقع راویان فضائل حضرت را سب و لعن می‌کند به اتهام این که به اعتقاد خود حدیث جعلی نقل کرده است، ولی هنگامی که با احادیث جعلی در مدح دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام روبه رو می‌شود چنین حالتی ندارد.^۲ ذهبی راویان ثقه بسیاری را به دلیل نقل فضائل اهل بیت علیهم‌السلام بدون هیچ دلیلی جرح کرده است.^۳

همان طور که ملاحظه گردید از عوامل معارضه با روایات فضائل این است که اگر فردی فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را نقل نماید حتی اگر از مذاهب دیگری باشد او را به تشیع متهم کرده‌اند. متهم شدن یک راوی به تشیع برای او عواقب خوبی را در پی نداشت. زیرا مذهب شیعه از مذاهبی بود که به دلایل سیاسی همواره مورد هجوم حکام و خلفای جور بود. بدین جهت بسیاری از راویان نتوانستند فضائل ائمه اطهار علیهم‌السلام را نقل کنند، زیرا جو حاکم موجب ترس و وحشت آنها از نقل فضائل می‌گردید. به گونه‌ای که نقل است:

أَنَّ الرَّجُلَ لِيُقَالَ لَهُ زَنْدِيقٌ أَوْ كَافِرٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُقَالَ شَيْعَةٌ عَلِيٌّ؛^۴ اگر به

مردی زندیق یا کافر می‌گفتند، نزد او بهتر از آن بود که بگویند شیعه علی علیه‌السلام است.

با همه فشارهای سیاسی که بر روی راویان روایات فضائل جهت کتمان فضائل والای ائمه اطهار علیهم‌السلام وجود داشت بسیاری از راویان حدیث و مؤلفین کتب آنان که منصف بوده و از بیان حق و حقیقت ترس و واهمه‌ای نداشتند، روایات فضائل را نقل کرده‌اند، با اینکه می‌دانستند با چه مشکلاتی در صورت نقل این‌گونه احادیث مواجه می‌شوند، ولی در عین حال آنها را کتمان نکرده و

۱. وسیلة الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیهم‌السلام، ص ۲۶.

۲. پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، ص ۲۱۶.

۳. تفسیر الحبری، ص ۴۱.

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۴.

در معرض عموم قرار دادند و این خود دلالت بر اعتبار این گونه روایات دارد.^۱

۳. نسبت رافضی به راویان

از روش‌های مقابله با نقل روایات فضائل توسط معاندین، دادن نسبت‌های ناروا به شیعیان همچون «رافضی»^۲ جهت نامیدن شیعیان بوده که بیشتر توسط حکام اموی انجام می‌گرفت و هدف آنان این بود که شیعیان را مورد شکنجه و آزار قرار دهند. وجه رافضی دانستن شیعیان این بوده است که آنان نسبت به امام علی علیه السلام اظهار محبت می‌کردند و فضائل او را می‌شمردند و او را برتر از دیگران می‌دانستند.^۳ جایگاه والایی که روایات فضائل برای حضرت علی علیه السلام ترسیم می‌کردند، عده‌ای را بر آن داشت تا برای مقابله با انتشار گسترده مناقب، روایات راویان شیعی را مشروط کنند به اینکه نباید روایات اهل بدعت در راستای تقویت مذهبشان باشد.^۴

به همین جهت راویانی که فضائل اهل بیت علیهم السلام را نقل می‌کردند به صفات و نسبت‌های ناروایی لقب می‌دادند که در شأن آن بزرگواران نبود، که این نیز از دیگر روشهایی بود که در جهت معارضه با راویان روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام به کار گرفته می‌شد، تا به این وسیله آنان را سرزنش و در بین مردم به آنها اهانت کرده و جایگاه آنها پایین بیاید. در حالی که خداوند متعال می‌فرماید:

۱. امام‌شناسی و پاسخ به شبهات، (امامت در حدیث)، ص ۳۷۳.

۲. رافضه از ریشه «رفض» به معنای ترک و رها کردن فرد یا چیزی است. از گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید که در عصر بنی امیه، دشمنان اهل بیت علیهم السلام و شیعیان‌شان، این اصطلاح را به جهت رفض و ترک نظام سلطه، برای ابراز عداوت به شیعیان به کار می‌بردند و رافضی بودن را گناه نابخشودنی به شمار می‌آوردند و رافضی را سزاوار شکنجه و قتل می‌دانستند (ر.ک: امام‌شناسی و پاسخ به شبهات (امامت در حدیث)، ص ۳۰۳).

این واژه مانند اصطلاح شیعه در موارد زیر به کار رفته است:

الف) معتقدان به نصّ در نصب امام و منصب امامت و منکران مشروعیت خلافت خلفای قبل از امام علی علیه السلام؛

ب) معتقدان به افضلیت امام علی علیه السلام بر خلفای پیش از او، در عین انکار نصّ در امامت؛

ج) اظهار کنندگان محبت و مودت به خاندان رسالت (ر.ک: شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۱۰۷؛ همچنین برای مطالعه ر.ک: فرهنگ غدیری، ص ۲۷۵-۲۷۱).

در ابیاتی که از امام شافعی نقل گردیده به این معنا اشاره شده است:

إن کان رفضاً حبّ آل محمد
فلیشهد الثقلان أنّی رافضی

(دیوان الامام شافعی، ص ۹۳)؛

اگر محبت اهل بیت رفض و کفر است
چنّ و انس بدانند که من رافضی هستم.

۳. شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۱۲.

۴. جایگاه اعتقادی در ارزیابی روایان از دیدگاه اهل سنت، ص ۲۱۱.

و لا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ^۱ و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خدا نام فسق [بر مؤمن نهادن] بسیار زشت است و هر که توبه نکند چنین کسان بسیار ظالم و ستمکارند.

شرف‌الدین عاملی در کتاب مراجعات صد نفر از رجال شیعه که در سلسله سندهای احادیث اهل سنت قرار گرفته را ذکر کرده است. شیخ محمد جعفر طبعی در کتاب رجال الشيعة فی اسانید السنة دویست نفر از این افراد را جمع آوری کرده که تعداد زیادی از آنان متهم به رفض و رافضی هستند.^۲ اما با وجود رافضی نامیدن بسیاری از این راویان، بسیاری از نویسندگان کتب اهل سنت روایات ایشان را نقل کرده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به راویان زیر اشاره کرد که بخاری و مسلم روایات آنان را پذیرفته‌اند و این شاهی بر وثاقت این راویان است.

فعبيد الله بن موسى وسليمان بن قمر النحوي وعباد بن يعقوب الرواجني و وكيع بن الجراح، هؤلاء نماذج عرفوا بالرفض ومع هذا نقل عنهم البخاري ومسلم وقبلت رواياتهم؛^۳ عبیدالله بن موسی، سلیمان بن قمر نحوی، عباد بن یعقوب رواجنی و وکیع بن جراح از جمله این افراد هستند که به عنوان رافضی شناخته می‌شوند و بخاری و مسلم روایات آنها را نقل کرده‌اند و روایاتشان پذیرفته شده است.

بنابراین اگر تمام عوامل و انگیزه‌های متصور در جهت منع تدوین فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را مورد بررسی قرار دهیم، هیچ انگیزه‌ای که بتواند این امر را توجیه کند، نمی‌یابیم. اصلی‌ترین عامل منع را می‌توان هراس از گسترش احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برتری و فضیلت امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام و فرزندانش از سوی صاحبان قدرت دانست.

۱. حجرات: ۱۱.

۲. امام‌شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۲۲۶.

۳. شواهد نصب در آثار بخاری، ص ۲۴.

۴. عدم نقل روایاتِ راویانِ پیرو اهل بیت علیهم السلام در معتبرترین آثار اهل سنت

با بررسی و تحقیق در برخی از آثار اهل سنت ملاحظه می‌شود که مقابله با راویانِ روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام از سوی برخی از نویسندگان آثار اهل سنت به روش‌های مختلفی صورت گرفته است. از جمله کنار گذاشتن راویان محب اهل بیت علیهم السلام و نقل نکردن روایات آنها، توثیق نواصب و خوارج و نقل روایت از آنان، کم توجهی یا بی‌توجهی نسبت به روایات فضائل اهل بیت علیهم السلام، مسافرت به مراکز و شهرهای معروف به نصب و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام همچون شام و بصره و نقل روایات از راویان آن مناطق، از مهم‌ترین شواهد نصب و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام در برخی از مهم‌ترین آثار روایی اهل سنت است.^۱ به گونه‌ای که حتی در چندین جای صحاح سته از امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام بدگویی شده است. همچنین به صورت متعدد روایات دشمنان امام علی علیه السلام همچون «عمران بن حطان» را نقل نموده‌اند که تنها بخاری در صحیحش دو روایت از او نقل می‌کند.^۲ بسیاری از محدثان و راویان که در سلسله سند روایات صحاح آمده‌اند، تحت تأثیر خوارج بودند.^۳ خلفای اموی و مروانی نیز رد راویان فضائل اهل بیت علیهم السلام را واجب می‌دانستند و آنان را جرح می‌کردند و در عین حال به روایات راویان امثال مغیره بن شعبه، بسر بن أرطاة، زاهر الحرازی الحمصی، حریز بن عثمان الرحبی، خالد بن عبدالله القسری، شبابة بن سوار، عمر بن سعید العاصی الأموی و عمران بن حطان احتجاج می‌کردند.^۴

اهل سنت برای ائمه اهل بیت علیهم السلام آن اندازه که به کفار خوارج، مشبهه، مرجئه و قدریه استناد می‌جویند به احادیث ائمه اهل بیت علیهم السلام اهمیت نمی‌دهند. اگر همه احادیثی را که از دودمان پیغمبر نقل کرده‌اند، جمع آوری کنیم، به اندازه روایاتی که بخاری به تنهایی از عکرمه بربری خارجی دروغگو نقل کرده است نخواهد بود! از همه این‌ها تأسف آورتر این است که بخاری در صحیح خود، به

۱. شواهد نصب در آثار بخاری، ص ۲۱.

۲. الغدير، ج ۶، ص ۱۶.

۳. فضائل اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۵۰.

۴. مجموعة الرسائل، ج ۱، ص ۷۷.

احادیث اهل بیت علیهم السلام استدلال نمی‌کند؛ زیرا وی روایتی از امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی و حضرت عسگری علیهم السلام که هم‌عصر او بوده نقل نکرده است. افزون بر این او از سایر رجال اهل بیت، امثال حسن بن حسن، زید بن علی بن حسین، یحیی بن زید، محمد بن عبدالله حسین بن علی، شهید فحّ، یحیی بن عبدالله بن حسن و برادرش ادريس بن عبدالله، محمد بن جعفر صادق، قاسم رسی، محمد بن محمد بن زید بن علی، محمد بن قاسم بن علی بن عمر و نه از سایر بزرگان دودمان پاک پیامبر؛ مانند عبدالله بن حسن، علی بن جعفر عربی و افراد دیگری از بازماندگان رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان امت، نیز روایتی نقل نکرده است.^۱

بنابراین به گفته علامه امینی آن عالم اندیشمند از افتخاراتی که اهل سنت برای صحیحین و مخصوصاً صحیح بخاری قائل اند منوط به میزان صدق و وثاقت آنست، چرا برای دیگر کتب موثق حدیث چنین اعتباری قائل نیستند و اگر بخاطر امتیازی دیگر است آن امتیاز کدام است؟ امتیاز بخاری در کتمان حقایق، تعصب و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام پیغمبر و نادیده گرفتن روایات قطعی و متواتر از مآخذ مورد اعتماد است.^۲

در نتیجه هر کس صحیحین را با دقت بررسی کند آگاه می‌شود که صحیحین جامع جمع احادیث صحاح نمی‌باشند، به همین جهت در تدارک و جبران احادیث صحاحی که در آن دو کتاب نیست کتاب‌ها نوشته شده، مانند المستدرک، تألیف حافظ الیهروی المالکی متوفای (۴۳۴) و صحیح ابن حبان تألیف حافظ ابی‌حاتم متوفای (۳۵۴)، مؤلف عظیم الشان عبقات الانوار ثابت کرده است که احادیث صحیحیه محصور در صحیحین نیست و بخاری و مسلم نیز چنین ادعایی نکرده‌اند و باضافه تمام احادیث صحیحین نیز محکوم به صحت نیست، بلکه احادیث بسیاری نیز در آنها ثبت است که مورد قدح و طعن اکابر و محققین است و باضافه احادیث متناقضه در صحیحین موجود است و لذا بعضی از اعاضم آن دو کتاب را از اعتبار به کلی ساقط نموده‌اند و قاعده تقدم مثبت بر نافی که از قواعد مسلمه عقلیه است و مورد استناد بزرگان اهل سنت جماعت است و شواهد علمی و تاریخی بر آن قائم است، حکم می‌کند که نبودن حدیثی در صحیحین دلیل نافی واقعی آن نیست.^۳

۱. اجتهاد در مقابل نص، ص ۵۸۹ و ۵۹۰.

۲. الغدير، ج ۶، ص ۱۶؛ آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، ص ۲۳۹.

۳. عبقات الأنوار فی الإمامه الأئمة الأطهار، ج ۲، ص ۸.

به گونه‌ای که نویسندگان اهل سنت در آثار روایی بسیاری به نقل این روایات پرداخته‌اند که با مشاهده همین تعداد آثار حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام برای ما آشکار خواهد شد.^۱

د. آثار و نتایج سوء انحراف و تحوّل در اخبار مناقب

۱۳۳



تحوّل در اخبار مناقب، سبب تحوّل در جهت‌گیری‌های مردم، سرگردانی آنان در یافتن حکم نهایی و قطعی شرع و تفرقه مذهبی شده است. همچنین موجب گشته در حوزه‌هایی چون حکمت اسلامی نظریاتی کاملاً متقابل بروز کند.^۲ برای مثال، در حالی که براساس حدیث معروف برترین جهاد، گفتن سخن حق نزد حاکم ستمگر است و باید در مقابل حاکم ستمگر مقاومت کرد.^۳ بر اساس برخی از اخبار دیگر، از حاکم قدرتمند و مدعی امارت بر مؤمنان با هر شخصیتی باید اطاعت کرد؛ فسق، ظلم، تضییع حقوق و تعطیل حدود، سبب سقوط از صلاحیت نبوده، خروج بر چنین حاکمی واجب نیست.^۴ بنابراین معارضه با اخبار مناقب در طول تاریخ نتایج بسیار سوء این چنینی را از خود برجای گذاشت و با اینکه در طول تاریخ، علمای بزرگ امامیه به معارضین پاسخ‌های دندان‌شکنی داده و پوچی گفتارشان را آشکار کرده‌اند، باز هم بسیاری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام پیوسته و بدون فکر، آثار گذشتگان خود را برای مقابله با شیعیان، رونویسی و منتشر می‌کنند که باید با شناخت و بررسی این آثار در هر زمان و معرفی آنها به جامعه اسلامی توطئه‌های آنها را در جهت مقابله با اخبار فضائل آشکار نمود.

نتیجه‌گیری

تلاش سازمان یافته در جهت مقابله با راویان روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام از سوی مخالفین آنها یکی از شیوه‌های منع نقل روایات فضائل به وسیله دشمنان ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است، که باعث گردید بسیاری از محدثان به دلیل فشارهای سیاسی که از راه‌های مختلف بر آنان وارد می‌گردید، از

۱. در این زمینه می‌توان به آثاری همچون فضائل علی [ع] از ابن شیبہ بصری، خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب از نسایی، فضائل علی بن ابی طالب از جریر بن طبری، شرح الأخبار فی فضائل ائمة الأطهار از قاضی ابی حنیفه مغربی، المنتقی من فضائل فاطمة الزهرا [س] از ابی حفص عمر بن احمد بغدادی، الخصائص العلویه علی سائر البریه از ابوالفتح محمد بن احمد ابراهیم نطنزی و آثار بسیار دیگر اشاره کرد.

۲. شناخت حدیث فهم و نقد حدیث از مبانی تا تصدیق (دفتر دوم)، ص ۲۲۴.

۳. الخصال، ج ۱، ص ۸؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۷۸.

۴. الاستذکار، ج ۵، ص ۱۶.

بازگو کردن فضائلی که به اثبات رسیده بودند، خودداری کنند. آنها در این مسیر از هیچ تلاشی غافل نبوده‌اند تا مانع شنیدن ندای حق و حقیقت به حقیقت جویان باشند. مشکلی که امروزه ما با آن مواجهیم فقط موارد ذکر شده نیست، بلکه فرقه‌ها و مذاهب جدیدی هستند که توسط دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام به وجود آمده‌اند؛ معروف‌ترین آنها فرقه وهابیت است که با عقاید عجیب و غریبی که دارند حتی مورد انکار سایر مسلمانان سنی مذهب نیز قرار گرفته‌اند، چرا که بسیاری از اهل تسنن ارادت ویژه‌ای نسبت به فرزندان حضرت زهرا علیها‌السلام دارند و بسیاری از راویان آنها با وجود همه فشارهای سیاسی و جو حاکم به دور از تعصب فضائل ایشان را نقل کرده‌اند. امیدواریم با معرفی و تحلیل روش‌های دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام در جهت معارضه با فضائل ایشان روزی فرا رسد که همه بر کشتی نجات اهل بیت علیهم‌السلام درآیند و از چشمه علوم و معارف آنها سیراب شوند و آن روز چندان دور نیست.

فهرست منابع

۱۳۵



۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند.
۲. الاستذکار، محمد بن عبد البر قرطبی، تحقیق سالم محمد عطا و محمد علی معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۳. آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، علی نصیری، انتشارات جامعه المصطفی، بی‌تا.
۴. آشنایی با علوم حدیث، علی نصیری، نشر حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ش.
۵. اجتهاد در مقابل نص، عبدالحسین شرف‌الدین، ترجمه علی دوانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۶. العین، خلیل بن أحمد فراهیدی، تحقیق دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، مؤسسه دارالهیجرة، بی‌تا.
۷. امام‌شناسی و پاسخ به شبهات امامت در حدیث، علی اصغر رضوانی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹ش.
۸. با قرآن در مکه و مدینه، اکبر دهقان، تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱ش.
۹. پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، حیدر طباطبایی، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.
۱۰. تفسیر الحبری، حسین بن حکم الکوفی الحبری، بی‌جا، بی‌تا.
۱۱. تفسیر المنار، محمد رشید رضا، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۰م.
۱۲. جایگاه اعتقادی در ارزیابی روایان از دیدگاه اهل سنت، محسن افضل آبادی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۴ش.
۱۳. الخصال، محمد بن علی صدوق، تهران: نشر علمیة السلامیة، بی‌تا.
۱۴. دیوان الإمام شافعی، محمد بن ادريس بن العباس شافعی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۴ق.
۱۵. رجال الشیعة فی اسانید السنة، الشیخ محمد جعفر الطیبی، مؤسسه المعارف الإسلامیة، بی‌تا.
۱۶. سفرنامه حج، لطف الله صافی گلپایگانی، قم، انتشارت حضرت معصومه س، ۱۳۷۸ش.
۱۷. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، بی‌تا.

۱۸. شناخت حدیث (فهم و نقد حدیث از مبانی تا تصدیق دفتر دوم)، مجید معارف، تهران: نشر نیا، ۱۳۹۴ش.
۱۹. شواهد نصب در آثار بخاری، حسن بلقان آبادی، بی‌جا، بی‌تا.
۲۰. شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۵ش.
۲۱. عبقات الأنوار فی الإمامه الأئمه الأطهار، میر حامد حسین کنتوری، تحقیق غلامرضا مولانا بروجردی، قم، نشر غلامرضا مولانا بروجردی، ۱۴۰۴ق.
۲۲. فتح الملك العلی، أحمد مغربی، الغامة اصفهان: مکتبه الامام أمير المؤمنين عليه السلام، ۱۳۳۹ق.
۲۳. فرهنگ فلسفی، جمیل صلیبا و همکاران، انتشارات حکمت، بی‌تا.
۲۴. فضائل اهل البيت عليهم السلام بین تحریف المدونین و تناقض مناهج المحدثین، وسام بلدای، کربلا معلی، نشر العتبة الحسينية المقدسة، ۱۴۳۳ق.
۲۵. فضائل اهل بیت عليهم السلام در صحاح سته، علی فاضلی، قم، نشر آشیانه مهر، ۱۳۹۱ش.
۲۶. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، علی بن حسام‌الدین متقی هندی، تحقیق بکری حیانی - صفوة السقا، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ق.
۲۷. لسان العرب، ابن منظور، بیروت: نشر دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۲۸. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ش.
۲۹. مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، مجید معارف، تهران: نشر نیا، ۱۳۸۳ش.
۳۰. مجموعه الرسائل، لطف الله صافی گلپایگانی، بی‌جا، بی‌تا.
۳۱. مختصر الکامل فی الضعفاء، احمد بن علی مقریزی، قاهره: نشر مکتبه السنه، بی‌تا.
۳۲. مسند الإمام الشهيد أبي عبدالله حسين بن علي عليه السلام، عزيز الله عطاردی، تهران: نشر عطارد، بی‌تا.
۳۳. مصباح المنیر، احمد بن محمد فیومی، تحقیق یوسف الشیخ محمد، نشر مکتبه العصریة، ۱۴۱۱ق.
۳۴. وسیلة الخادم إلى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم*، فضل الله روزبهان، قم: نشر انصاریان، ۱۳۷۵ش.